

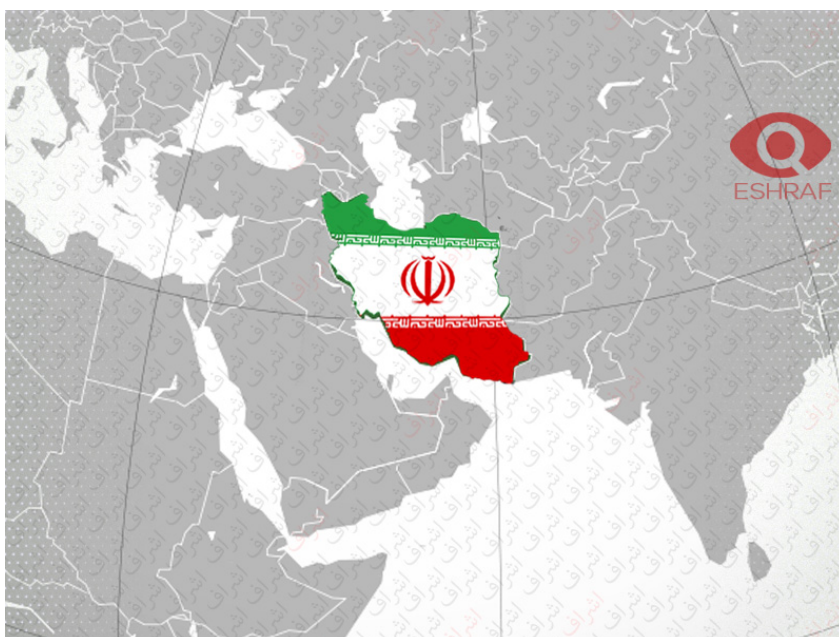
افزایش قدرت و نفوذ استراتژیک ایران؛

ایران و ژئوپلیتیک جدید و در حال ظهور خاورمیانه

ژئوپلیتیک منطقه در سالهای اخیر تغییر کرده و در این میان قدرت و نفوذ استراتژیک ایران روز به روز بیشتر شده و میزان نفوذ قدرت‌های عربی به ویژه عربستان سعودی کاهش چشمگیری یافته است و تنها راه حل موفقیت‌آمیز و عملی برای حل بحران سوریه و بازگرداندن ثبات و امنیت به منطقه همکاری با ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای است.

تاریخ: ۲۶ آبان ۱۳۹۳ - ۱۵:۵۰

کد خبر: ۲۲۹۸۰۲

**گروه بین الملل، ژئوپلیتیک**

منطقه در سالهای اخیر تغییر کرده و در این میان قدرت و نفوذ استراتژیک ایران روز به روز بیشتر شده و میزان نفوذ قدرت‌های عربی به ویژه عربستان سعودی کاهش چشمگیری یافته است و تنها راه حل موفقیت‌آمیز و عملی برای حل بحران سوریه و بازگرداندن ثبات و امنیت به منطقه همکاری با ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای است.

به گزارش یولین نیوز به نقل از اشراف، مؤسسه اروپایی مدیریت در گزارشی به قلم دکتر سید حسین موسویان دیپلمات و مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای سابق ایران و همچنین محقق و پژوهشگر ارشد دانشگاه پرینستون آمریکا که اخیراً در شماره یازدهم سالنامه ۲۱۰۴ این اندیشکده اسپانیایی منتشر شده به بررسی نقش قابل‌توجه ایران در ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه پرداخته است. موسویان در این گزارش عنوان می‌کند که ژئوپلیتیک منطقه در سالهای اخیر به واسطه برخی تحولات ایجادشده در خاورمیانه تغییر کرده است. شروع بهار عربی و جنگ داخلی در سوریه را باید زمینه‌ساز این تغییرات دانست. اما اقدامات و دخالت‌های غرب، آمریکا، کشورهای عربی خلیج فارس، ترکیه و برخی کشورهای دیگر باعث تشدید بحران داخلی در سوریه شد و این موضوع را به یک مسئله امنیتی برای تمامی کشورها تبدیل کرد. در این میان قدرت و نفوذ استراتژیک ایران روز به روز بیشتر و میزان نفوذ قدرت‌های عربی به ویژه عربستان سعودی کاهش چشمگیری یافت. در حال حاضر نیز به نظر می‌رسد تنها راه حل موفقیت‌آمیز و عملی برای حل بحران سوریه و بازگرداندن ثبات و امنیت به منطقه همکاری با ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای است.

■ تغییر ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه با اقدامات نظامی آمریکا از سال ۲۰۰۱ میلادی ■

سرنوشت ژئوپلیتیک منطقه با حمله آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ میلادی تغییر کرد و ژئوپلیتیک جدیدی را در منطقه به وجود آمد. دو سال پس از آن واقعه، دولت جرج بوش به عراق حمله کرد. اما این حمله تنها با هدف سرنگونی صدام حسین، دیکتاتور بی‌رحم و غیرقابل‌پیش‌بینی این کشور صورت نپذیرفت بلکه تلاش شد تا از این طریق مسیری برای فروپاشی نظام ایران ایجاد و به تدریج هموارتر گردد. در واقع در پشت نگارش و نوع تفکر سیاست‌گذاران آمریکایی تئوری "اثر دومینو" قرار داشت. «پال ولفوویتز» معاون وزارت دفاع آمریکا و یکی از معماران جنگ آمریکا و عراق در این خصوص معتقد است: «کشور عراق می‌تواند اولین دموکراسی عربی در جهان باشد و قادر خواهد بود بر دو کشور سوریه و ایران و همچنین سایر کشورهای جهان عرب سایه بیفکند.» با این حال، ما به خوبی می‌دانیم که تئوری وی دارای نقایص و کاستی‌هایی بود. در حقیقت با سقوط دو دشمن اصلی ایران یعنی طالبان در شرق و صدام‌حسین در غرب، نفوذ و قدرت ایران با گذشت زمان به طرز فزاینده‌ای تقویت خواهد شد. اما شروع این روند، ابتدا در عراق و سپس در سایر نقاط منطقه، برای آمریکا کاملاً غیرمنتظره و ناگهانی بود.

■ دو عامل تأثیرگذار در تغییر ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه ■

اما دو موج عظیم دیگر نیز در منطقه خاورمیانه به وجود آمد که باعث شد ژئوپلیتیک منطقه به طور کلی تغییر کرده و شکل جدیدی به خود بگیرد. اولین موج عظیم منطقه خاورمیانه را باید شورش و قیام‌های صورت گرفته در بخش‌هایی از جهان عرب علیه دیکتاتورهای پردوام این منطقه دانست، قیام‌هایی که به بهار عربی معروفند و نقطه آغازین آن قیام‌های کشور تونس در سال ۲۰۱۲ میلادی بود. موج دوم منطقه که تا حدی نیز با الهام از موج اول رخ داد، بروز جنگ داخلی در کشور سوریه بود. این دو رویداد و تحول بزرگ تأثیر بسزایی در ژئوپلیتیک خاورمیانه و حتی سایر مناطق دنیا داشت.

■ تلاش قدرت‌های عربی منطقه برای سرنگونی حکومت بشار اسد و کاهش نفوذ ایران ■

از نقطه نظر تاریخی باید گفت که روابط تهران و دمشق تا حد زیادی بر پایه منافع استراتژیکی مشترک بنا نهاده شده است، که یکی از این منافع مشترک خنثی کردن هژمونی و سلطه آمریکا و اسرائیل در خاورمیانه است. همچنین دو کشور ایران و سوریه به منظور ایجاد تعادل در برابر کشورهای عربی منطقه از یکدیگر حمایت و پشتیبانی می‌کنند، کشورهایی که متحدان آمریکا در منطقه به شمار می‌آیند و رویکرد خصمانه‌ای را در قبال ایران و سوریه پیش گرفته‌اند. با بروز جنگ داخلی در سوریه و بالا گرفتن آتش جنگ در این کشور، بازیگران اصلی منطقه‌ای و همچنین بازیگران فرامنطقه‌ای با انعقاد یک توافق و اجماع ضمنی تلاش کردند از طریق سرنگونی حکومت بشار اسد در سوریه میزان نفوذ و قدرت ایران در سراسر منطقه را تا حد ممکن محدود نمایند.

■ بالا گرفتن آتش جنگ در سوریه و حضور بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این جنگ ■

علاوه بر این، هر یک از اعضای این ائتلاف به دنبال کسب موقعیت برجسته‌ای در خاورمیانه بودند، موقعیتی که به آنها اجازه می‌داد تا نفوذ بیشتری در منطقه داشته باشند و در نتیجه این امر آنها می‌توانستند منافع خاص خود را محقق سازند. در نهایت جبهه‌ای با حضور غرب (به رهبری آمریکا) به همراه اسرائیل، ترکیه و چندین کشور عربی منطقه (به رهبری عربستان سعودی) تشکیل شد تا حکومت بشار اسد برای همیشه و به طور کامل به زیر کشیده شود. در جبهه مقابل نیز دولت سوریه، ایران و روسیه قرار داشتند. تحولات بعدی در سوریه زمینه‌ساز ایجاد پیچیدگی‌ها و رویدادهای بغرنجی شد که برای گروه‌های مخالف بشار اسد بسیار غیرمنتظره بود. از میان این پیچیدگی‌ها تهدیداتی به وجود آمد که دامن تمامی بازگیران حاضر در جبهه اصلی جنگ سوریه را گرفت و موجب ایجاد تفرقه و جدایی میان آنان شد. در ادامه خواهیم دید که هر یک از این تحولات و رویدادها چه نقشی را در این میان ایفا کردند.

■ سوریه به عنوان یک مسئله امنیتی برای غرب و آمریکا ■

- آمریکا

دولت آمریکا صراحتاً اعلام می‌کند که "جنگ در سوریه نه تنها کاهش نیافته، بلکه در حال گسترش نیز هست". [۱] ظهور القاعده و گروه‌های وابسته به آن در سوریه، که خود تهدید مهمی برای آمریکا به شمار می‌روند، باعث شده تا سطح تهدیدات موجود در برابر سوریه به یکباره افزایش یابد و این موضوع به خطری برای امنیت ملی آمریکا تبدیل شود. طبق اظهارات «جانسون»، وزیر امنیت داخلی آمریکا: "سوریه به یک مسئله امنیت داخلی تبدیل شده است." [۲] «جیمز آر. کلاپر»، مدیر سازمان اطلاعات ملی آمریکا در گزارش سالانه خود تحت عنوان "ارزیابی جامعه اطلاعاتی آمریکا از تهدیدات جهانی" خطاب به مجلس سنای آمریکا عنوان می‌کند که: «جنگ داخلی در سوریه فرصت مغتنمی را در اختیار گروه‌های افراطی قرار داد و آنان توانستند مناطق فاقد حکومت را یافته و اقداماتی در جهت بی‌ثباتی دولت‌های جدید و آماده‌سازی حملات علیه منافع غرب صورت دهند.

■ دخالت غرب و کشورهای عربی در جنگ داخلی در سوریه و آغاز جنگ نیابتی در این کشور ■

همانطور که باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا طی سخنرانی سالانه خود در مجلس نمایندگان آمریکا در سال ۲۰۱۴ میلادی نیز عنوان کرد، رویکرد آمریکا در سوریه تاکنون بیشتر بر مبنای "حمایت از گروه‌های مخالف و غیر تروریستی در سوریه و در عین حال انتظار برای خلع بشار اسد از مسند حکومت" است. [۳] این پروتکل و همچنین نادیده انگاشتن آگاهانه سیاست‌های برخی از متحدان آمریکا در سوریه (عمدتاً عربستان سعودی، قطر و ترکیه که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از گروه‌های جهادی سوریه به لحاظ لجستیکی و مالی پشتیبانی می‌کردند) همگی در ایجاد شرایط کنونی و معضل خطرناک ایجادشده در سوریه دخیلند. قابل توجه است که «کلاپر» در بخش دیگری از بیانیه خود، جنگ سوریه را "جنگ نیابتی" توصیف می‌کند که در یک سوی آن ایران و حزب‌الله لبنان و در سوی دیگر آن کشورهای سنی و عرب منطقه قرار گرفته‌اند.

■ همکاری با ایران، تنها راه حل عملی و موفقیت آمیز برای حل بحران سوریه ■

در حال حاضر، عقل سلیم حکم می‌کند که برای حل بحران سوریه هیچ راه حل عملی و موفقیت آمیزی جز همکاری و تعامل با ایران وجود ندارد. ایران و آمریکا هر دو یک دشمن مشترک دارند و به لحاظ استراتژیک باید از پیشرفت‌ها و دستاوردهای بیشتر گروه القاعده جلوگیری نمایند و این گروه‌های تروریستی را در کشورهای عراق، سوریه و افغانستان به طور کلی ریشه کن کنند. بدین لحاظ، معقول است اگر انتظار داشته باشیم که با حل شدن اختلافات میان آمریکا و ایران بر سر برنامه هسته‌ای این کشور، آمریکا در چنین شرایطی همکاری و تعامل خود را با ایران آغاز نماید. در حقیقت، برخی از ناظران بر این باورند که بحران سوریه می‌تواند انگیزه‌های بسیار قوی و کافی را برای آمریکا ایجاد نماید تا مقامات آمریکا و ایران هر چه سریع‌تر بر سر برنامه هسته‌ای این کشور به یک راه حل مناسب دست یابند. بنابراین دو کشور خواهند توانست از طریق تشریک مساعی و به شیوه‌ای هماهنگ بر بحران کنونی در سوریه فائق آیند.

■ تلاش اسرائیل و لابی صهیونیستی برای توقف روند دستیابی به توافق هسته‌ای ایران ■

- اسرائیل

با روی کار آمدن دولت «حسن روحانی» سیاستمدار میانه‌رو ایرانی، بسیاری از تندروهای اسرائیل و لابی طرفدار اسرائیل در کنگره از دولت آمریکا درخواست کردند تا این دولت سیاست‌های تهاجمی خود نسبت به ایران را متوقف نکند. پس از مکالمه تلفنی تاریخی میان حسن روحانی و باراک اوباما در نوامبر گذشته، به عنوان نخستین ارتباط مستقیم میان رهبران دو کشور پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی، «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر اسرائیل در اظهاراتی حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران را "گرگی در لباس میش" خطاب کرد [۴] و به جامعه بین‌المللی هشدار دارد که فریب سخنان و اظهارات جذاب وی را نخورند. در همین حال، پس از انعقاد توافق موقت ژنو میان ایران و گروه ۵+۱ در نوامبر سال ۲۰۱۳ میلادی که با هدف حل و فصل دائمی بحران هسته‌ای ایران صورت گرفت، لابی طرفدار اسرائیل بی‌وقفه تلاش کرد تا از طریق کنگره آمریکا تحریم‌های جدیدی را علیه ایران وضع و اعمال نمایند که این اقدامات تماماً با هدف از خط خارج کردن مسیر دستیابی به راه حل صلح آمیز بحران هسته‌ای ایران و توقف کامل آن صورت می‌پذیرفتند. اگر این اقدامات و برنامه‌ها عملی می‌شدند قطعاً نقض آشکار توافقنامه ژنو بودند و یا حتی می‌توانستند به اتمام این توافق منجر شوند.

■ شکست اسرائیل در زمینه جلوگیری از انجام مذاکرات میان ایران و آمریکا ■

اسرائیل و لابی آن با شکست بسیار بزرگی در هر دو جبهه مواجه شده‌اند. نخست آنکه آمریکا پیام‌های آشتی‌جویانه تهران را جدی گرفت و پس از سال‌های متمادی جنجال و هیاهو به انجام مذاکرات مخفیانه و آشکار با ایران دست زد و در نهایت اقدامات خود را در چهارچوب گروه ۵+۱ به منظور ایجاد توافق با ایران آغاز کرد. اوباما در این راستا کنگره آمریکا و لابی طرفدار اسرائیل در این کنگره را تهدید کرد که در صورت لزوم تمامی تلاش‌های کنگره و لابی اسرائیل به منظور اعمال تحریم‌های بیشتر و جدید علیه ایران را وتو خواهد کرد و با این

حرکت آب سردی بر سر اعضای کنگره و لابی اسرائیل ریخت.

■ عدم توانایی اسرائیل در متقاعد نمودن دولت آمریکا به منظور حمله نظامی به سوریه ■

شکست بزرگ دیگری که اسرائیل در این میان تجربه کرد، عدم موفقیت و ناکامی مقامات اسرائیل در متقاعد نمودن دولت اوباما به منظور حمله نظامی به سوریه بود. پیشقدمی ایران و روسیه در مجاب نمودن بشار اسد برای نابودی تمامی زرادخانه‌های تسلیحات شیمیایی این کشور و همچنین مخالفت برخی از کشورهای اروپایی و به خصوص پارلمان انگلیس با حمله نظامی به سوریه، باعث شدند تا باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا نتواند گزینه‌های نظامی را برای حل بحران سوریه دنبال کند. در نتیجه این تحولات، اسرائیل منزوی شد و دیگر قادر نبود تا سیاست‌های تهاجمی خود در قبال ایران را دنبال کرده و آنها را محقق سازد. با گسترش جنگ سوریه اوضاع برای اسرائیل وخیم‌تر شد تا جایی که «بروس ریدل»، یکی از کارشناسان در زمینه امنیت آمریکا در این باره اظهار داشت: «گروه‌های جهادی که اسرائیل را احاطه کرده‌اند خود بزرگ‌ترین تهدید برای اسرائیل به شمار می‌آیند و این امری است که در تاریخ و پیشینه گروه‌های جهادی در جهان بی‌سابقه بوده است.» [۵]

■ تلاش‌های ترکیه برای براندازی حکومت بشار اسد در سوریه ■

- ترکیه

«رجب طیب اردوغان»، نخست‌وزیر ترکیه به عنوان یکی دیگر از عناصر مهم ائتلاف به شدت خواهان تغییر رژیم در سوریه بود. اردوغان هرگز از ابراز آشکار در مورد حمایت‌های خود از گروه‌های اسلامی از جمله اخوان‌المسلمین خودداری ننمود. علاوه بر این، سرکوب شدید مردم ترکیه توسط اردوغان و علنی شدن این موضوع در رسانه‌ها و همچنین تهدید رقباي خود برای پرداخت هزینه‌های سنگین در صورت مخالفت با وی [۶] به تکه‌تکه شدن جامعه ترکیه منجر شد و از سوی دیگر نیز تنش‌ها میان ترکیه و کشورهای غربی را تشدید کرد. این وضعیت با تحولات اخیر در شهر «کسب» در سوریه وخیم‌تر شد، شهری که بسیاری از اعضای جامع ارمنی آن مورد حمله گروه جهادی «جبهه‌النصره» قرار گرفتند. در نتیجه این امر شرایط برای دولت اردوغان دشوارتر شد چرا که این گروه به طور مستقیم از سوی دولت ترکیه حمایت و پشتیبانی می‌شوند. حمایت‌های دولت ترکیه از گروه‌های جهادی در سوریه و همچنین تحولات و اتفاقات شهر مرزی «کسب» در سوریه همگی باعث شدند تا تمرکز آمریکا و مجلس نمایندگان این کشور بر روی ترکیه و نقش این کشور در سوریه منعطف شود. [۷]

■ عدم تحقق رؤیای ترکیه برای تبدیل شدن به یک ابرقدرت منطقه‌ای ■

اردوغان در شب پیروزی حزبش در انتخابات محلی ماه مارس ۲۰۱۴ میلادی رسماً اعلام کرد که کشور ترکیه وارد جنگ با سوریه شده است. [۸] در این مدت نیز اردوغان همچنان بی‌وقفه برنامه‌ها و طرح‌های مقدماتی خود به منظور سقوط حکومت بشار اسد در سوریه را دنبال می‌کند. با این حال، همچنان با وخامت اوضاع

سوریه و ادامه یافتن تهدیدات ناشی از گروه‌های مرتبط با القاعده، به نظر می‌رسد که ترکیه با دو گزینه روبرو خواهد شد: تغییر جهت کلی از سیاست‌های شکست‌خورده و پرنقص خود در قبال سوریه و یا کنار آمدن با عقب‌نشینی گروه‌های تروریستی برای یک دوره طولانی. [۹] اما به تمامی این مسائل باید شرایط دشوار و فلاکت‌بار اقتصاد ترکیه را نیز اضافه کرد. اقتصاد این کشور که در ابتدا با پیشرفت و رشد بسیاری روبرو بود تغییر روند دارد و رشد اقتصادی ترکیه به یکباره کاهش چشمگیری یافت و ارز ترکیه به پایین‌ترین میزان ارزش خود در برابر دلار رسید. بنابراین رؤیای اردوغان برای تبدیل‌شدن به یک ابرقدرت در سطح منطقه و تأسیس امپراتوری نئوعثمانی در این منطقه به یأس مبدل شد. در واقع، تصور اینکه این کشور چگونه برای ایفای نقش قابل توجه خود در منطقه آماده‌شده برای همه بسیار دشوار است.

■ رقابت عربستان با ایران و تلاش برای کسب نفوذ ازدست‌رفته در این منطقه ■

- عربستان سعودی

عربستان سعودی که ریاست شورای همکاری خلیج فارس را بر عهده دارد، درحالی‌که می‌دید ایران در موضوع عراق گوی سبقت را از عربستان ربوده برای جبران نفوذ ازدست‌رفته خود در عراق تلاش‌هایش را برای سرنگونی حکومت بشار اسد در سوریه (به عنوان متحد استراتژیک ایران) آغاز نمود. بنابراین دولت عربستان سعودی اقدامات و برنامه‌هایی را برای تأسیس یک سوریه سنی ترتیب داد و همواره یک موضوع بسیار اساسی را مدنظر داشت و آن این بود که دولت اخوان‌المسلمین در دمشق تهدیدی جدی برای سلطنت و پادشاهی عربستان محسوب می‌شود. اما شرایط و اوضاع آنگونه که عربستان انتظار داشت پیش نرفت. به جای ایجاد گروه‌های میانه‌رو، گروه‌های افراط‌گرایی پا به عرصه گذاشتند که خود دشمن قسم‌خورده عربستان سعودی بودند. اما زمانی که اختلاف نظرات میان قطر و سه کشور دیگر عضو شورای همکاری خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی در مارس ۲۰۱۴ افزایش یافت اوضاع و مسائل بسیار وخیم‌تر شدند، چرا که قطر روابط بسیار نزدیکی با گروه اخوان‌المسلمین دارد و از سوی دیگر نیز نقش بسیار مهمی را در جهت تأمین بودجه مورد نیاز گروه‌های مخالف اسلام‌گرای سوریه ایفا می‌کند.

■ اختلاف نظر برخی کشورهای عربی با عربستان سعودی در موضوع بحران سوریه ■

این اختلاف‌نظرها موجب خروج سفرای سه کشور عربستان سعودی، بحرین و امارات متحده عربی از دوحه، پایتخت قطر شد. قطر مدعی است این حرکت ناشی از نارضایتی‌هایی است که به خاطر اقدامات این کشور در آنسوی خلیج فارس، برای مثال سوریه و مصر، به وجود آمده است زیرا قطر در این مناطق از گروه‌های مخالف دولت عربستان سعودی حمایت کرده است. [۱۰] اگر این ادعا درست باشد، این بدان معنا خواهد بود که نقشه‌ها و اقدامات عربستان سعودی در سوریه نتیجه معکوس داده است و عربستان سعودی نه تنها موفق نشده از طریق سرنگونی حکومت بشار اسد نفوذ خود را در منطقه افزایش دهد، بلکه این کشور نقش رهبری خود در شورای همکاری خلیج فارس را نیز از دست داده است. معضل رهبری رو به افول عربستان سعودی با حضور کشور عمان، به عنوان یکی دیگر از اعضای شورای همکاری خلیج فارس، وخیم‌تر شده است. کشور عمان به عنوان کشور میانجی میان آمریکا و ایران ایفای نقش کرده است و نتیجه این امر نیز تحقق

بی‌سابقه‌ترین توافق میان ایران و آمریکا از زمان توافقنامه الجزایر در سال ۱۹۸۱ میلادی بوده است.

■ تیره‌وتار شدن روابط میان عربستان سعودی و آمریکا به واسطه برخی مسائل ■

روابط آمریکا و عربستان سعودی نیز در این مدت به واسطه برخی عوامل و موضوعات تیره‌وتار شده است. اگرچه دولت آمریکا برای انجام اقدامات نظامی در سوریه و همچنین مذاکرات مخفیانه با ایران که نهایتاً منجر به انعقاد توافقنامه ژنو میان ایران و گروه ۵+۱ شد را باید از دلایل مهم این امر دانست. اگر آمریکا تصمیم بگیرد با گروه‌های سازمان‌یافته و خطرناک تروریستی در سوریه مقابله نماید، تا زمانی که عربستان سعودی به عنوان متحد نزدیک آمریکا درگیر جنگ نیابتی با ایران در سوریه است، آمریکا قادر به اجرای یک سیاست منسجم در سوریه نخواهد بود. بنابراین، علیرغم اینکه ممکن است عجیب به نظر برسد اما شاهد آن هستیم که آمریکا عربستان سعودی را تشویق می‌کند تا به سمت حل‌وفصل اختلافات خود با ایران و ایجاد یک توافق مشترک حرکت نماید، چرا که این توافق آنها را قادر می‌سازد به مسائل و موضوعاتی نظیر امنیت منطقه‌ای و همچنین تهدیدات ناشی از گروه تروریستی القاعده نیز بپردازند. [۱۱]

■ تغییر ژئوپلیتیک منطقه و فرصتی برای همکاری‌های بیشتر میان قدرت‌های منطقه‌ای ■

این اتحادهای بی‌سابقه در منطقه پتانسیل این را دارند که ژئوپلیتیک منطقه را به طور کلی تغییر داده و ژئوپلیتیک کنونی منطقه که بیشتر بر اساس سوءظن، خصومت و رقابت بنا شده را به ژئوپلیتیک جدیدی بر مبنای اعتمادسازی و همکاری تغییر دهند. اینطور به نظر می‌رسد که رقابت ایران تاکنون از اجماع و ائتلاف خود منافع چندانی کسب نکرده‌اند و اقدامات بعدی آنها با هدف سرنگونی کامل حکومت بشار اسد و مهار قدرت و نفوذ استراتژیک ایران در منطقه همچنان بدون موفقیت ادامه دارد. با این حال، براحتی می‌توان پیش‌بینی کرد که اگر مسئله هسته‌ای ایران حل‌وفصل شود، آمریکا به سوی همکاری و تعاملات بیشتر با ایران بر سر موضوعاتی چون مبارزه با تروریسم سازمان‌یافته در سوریه و عراق حرکت خواهد کرد و تلاش خواهد کرد تا بحران سوریه را به شیوه‌ای دیپلماتیک به پایان رساند. در چنین شرایطی به نظر نمی‌رسد که سه کشور عربستان سعودی، ترکیه و قطر به عنوان متحدان آمریکا بخواهند سیاست‌های آمریکا را به چالش بکشند. در مقابل، عربستان سعودی به طور اخص، به احتمال بسیار زیاد روند آشتی با ایران را آغاز خواهد کرد و حتی در موضوعاتی چون مقابله با گروه‌های تروریستی و افراط‌گرایی که سلطنت این کشور را تهدید می‌کنند با ایران همکاری نماید.

■ ایران خواهان بهبود روابط با کشورهای همسایه است ■

یکی از دستور کارهای جدی حسن روحانی، رئیس‌جمهور میانه‌روی ایران بهبود روابط با کشورهای همسایه است، بنابراین در چنین شرایطی می‌توان گفت که به طور قطع ایران پذیرای چنین پیشنهادهایی خواهد بود. همانطور که محمد البرادعی در بیانیه اخیر خود نیز عنوان کرده است، حل‌وفصل نهایی بحران هسته‌ای ایران به معنای توافقی گسترده در سطح همکاری و امنیتی خواهد بود، توافقی که راه را برای معامله بزرگ با غرب و

دگرگونی بنیادی در ثبات و امنیت در منطقه هموار خواهد کرد.[۱۲] در همین حال، اگرچه تندروها در اسرائیل و لابی طرفدار اسرائیل در آمریکا به احتمال زیاد تلاش می‌کنند تا از تشکیل این همکاری و تعامل جلوگیری کنند، دولت اوباما تصمیم خود را گرفته تا روابط دوستانه‌ای با ایران ایجاد نماید.

■ شکست مذاکرات و عدم دستیابی به توافق هسته‌ای پیامدهای بدی را به دنبال خواهد داشت ■

با این حال، اگر توافق موقت ژنو با شکست روبرو شود، به احتمال بسیار زیاد آمریکا تحریم‌های خود علیه ایران را بیش از پیش تشدید خواهد کرد. در چنین شرایطی احتمالاً ارتباط و مذاکرات میان ایران و آمریکا متوقف خواهد شد و الگوی سال‌های گذشته، یعنی تبادل لفاظی‌های خصمانه و تهدیدآمیز از سوی دو طرف، دوباره روابط این دو کشور را به اوج خصومت و دشمنی خواهد کشاند. سیاست‌های آشتی‌ناپذیر و خصمانه از سوی هر دو طرف درگیر نمی‌تواند تا ابد ادامه یابد. تاریخ نشان داده هر جا که دولت‌ها نتوانسته‌اند از طریق گفتگو و مذاکره بر اختلافات خود غلبه کنند، به دنبال راه‌حل‌های نظامی رفته‌اند.